

خودانضباطی و خودتنظیمی، راهکار جرم‌زدایی از جرایم سازمان‌های دولتی

«موردپژوهی: طرح آزادسازی سواحل خزر»

سعید گوهری^۱

سید حسین صادقی^۲

چکیده

سازمان‌های دولتی در توسعه و پیشرفت جوامع نقش حیاتی دارند. با این وجود، ارتکاب هر گونه جرم و تخلف از سوی این سازمان‌ها می‌تواند پی‌آمدهای جدی برای جامعه داشته باشد. از این رو، در پیش گرفتن تدبیرهایی برای افزایش خودانضباطی و خودتنظیمی در سازمان‌های دولتی به بهبود قابل توجهی در عملکرد سازمان‌های دولتی و پیش‌گیری از جرایم ارتكابی از سوی آنان خواهد انجامید. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که با روش تحقیق مطالعه موردی انجام پذیرفته است، نشان می‌دهد، دولت با معرفی طرح آزادسازی حریم سواحل دریا، ارتکاب جرایم مرتبط با رعایت نشدن حریم قانونی سواحل دریا به دست نهادهای حاکمیتی را پذیرفته است. با این وجود، مجازات را پاسخی مناسب برای مقابله با رفتارهای مجرمانه صورت‌گرفته ندانسته است، بلکه سیاست‌های خودانضباطی را به عنوان یکی از اشکال جرم‌زدایی از جرایم ارتكابی در دستور کار خود قرار داده است تا از رهگذر بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی برای رعایت حریم ساحل، ضمن الگوسازی برای رعایت قانون از سوی نهادهای حاکمیتی و پیش‌گیری از جرم در راستای تحقق عدالت اجتماعی گام بردارد.

واژگان کلیدی: خودانضباطی، خودتنظیمی، جرم‌زدایی، پیش‌گیری از جرم، سواحل خزر، سازمان‌های دولتی

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران (نویسنده مسئول)، sgohari@uoz.ac.ir.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. hsadeghi@uoz.ac.ir.

مقدمه

گاهی به فراخور اهمیت برخی از هنجارها، راهبرد سیاست جنایی دولت در راستای جرم‌انگاری قرار می‌گیرد و گاهی نیز سیاست‌ها در جهت جرم‌زدایی بازخوانی می‌گردد. در پیش گرفتن هر یک از این دو رویکرد، مبتنی بر اوضاع و احوال حاکم بر جامعه از منظر حاکمیت است و هر یک، موافقان و مخالفان خود را دارد. با این حال، گاهی در پاسخ به مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی افکار عمومی از حاکمیت در عرصه مقابله با جرایم می‌طلبند که سیاست‌های متنوعی برای دستیابی به آرمان پیش‌گیری از جرم در نظر گرفته شود. در این راستا، یکی از کانون‌های مهمی که دولت برای مقابله با جرایم باید در عرصه آن سیاست‌گذاری مناسب داشته باشد، جرایم سازمان‌های دولتی است. این جرایم بیش‌تر در بستر موقعیت تعارض منافع یعنی در جایگاه انتخاب میان منافع سازمان و منافع جامعه به وجود می‌آید.^۱ در این راستا، اگرچه پاسخ‌دهی کیفری، یکی از شیوه‌های متداول برای پیش‌گیری و مقابله با جرایم است، اما لزوماً مناسب‌ترین روش به شمار نمی‌رود، بلکه پاسخ‌دهی مناسب به مقابله با جرایم سازمان‌های اداری زیرمجموعه حاکمیت نظیر بازگشت به قانون‌مداری می‌تواند به کاهش جرایم در سطح جامعه بیانجامد.

بدون تردید، توسل به پاسخ‌های جای‌گزین برای پاسخ‌دهی به جرایم سازمان‌های دولتی بایستی مبتنی بر مصالح و منافع عموم جامعه باشد. در غیر این صورت، پاسخ‌های جای‌گزین مانند جرم‌زدایی می‌تواند بستری برای مصونیت قضایی نهاد‌های دولتی از تعقیب و مجازات تلقی گردد. شفاف نبودن سیاست‌گذاری‌های حاکمیت در عرصه پیش‌گیری از جرایم سازمان‌های دولتی از رهگذر جرم‌زدایی ممکن است افکار عمومی را در زمینه جدی بودن دولت برای مقابله و پیش‌گیری از جرایم و تخلفات سازمان‌های زیرمجموعه حاکمیت با تردید اساسی روبه‌رو سازد. بر این اساس، ضرورت دارد مدل‌های پاسخ‌دهی سیاست جنایی به جرایم سازمان‌های دولتی به سمتی سوق یابد که منافع جامعه به صورت مطلوب و به دور از هر گونه شایبه تأمین گردد. در غیر این صورت، هر گونه سیاست‌گذاری در حوزه مقابله با جرایم دولتی از رهگذر جرم‌زدایی می‌تواند مهر تأییدی باشد بر نقش ابزار بودن قوانین خاص و تکنیک‌های کنترل اجتماعی در راستای ترویج و حفظ

۱. دشتی، محمدتقی، زهرا زندیه و محمد مهدی فر، «تعارض منافع در بخش عمومی: گونه‌ها و انواع مقابله‌های حقوقی (تحلیل فقهی، حقوقی)»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره پنجم، شماره ۱۶، ۱۴۰۲، ص ۲۵۵.

منافع گروه‌های قدرتمند اجتماعی^۱.

برای نمونه، می‌توان به نقش حکومت‌ها در حفاظت از مناطق ساحلی اشاره کرد. حکومت‌ها، مسائل خشکی و دریا را در سطوح محلی و ملی مدیریت می‌کنند. مدیریت دو سیستم دریا و خشکی از چالش‌های اساسی در مدیریت سواحل است. اقدام‌های حکومت‌ها در این سطح، وابسته به ظرفیت‌ها، روش‌ها، عملکردها و مسئولیت‌های سازمان‌های دولتی است. سه رهیافت که حکومت‌ها برای اجرای مدیریت یک‌پارچه سواحل انجام می‌دهند، عبارتند از: استفاده از سازوکارهای غیر قانونی برای همکاری در میان نهادها، سیاست‌ها و قوانین موجود؛ سازوکارهای قانونی برای هماهنگی نهادها، سیاست‌ها و قوانین موجود و قوانین، سیاست‌ها، نهادها و ساختارهای جدید.^۲ سیاست‌گذاری یک‌پارچه در ایران برای اولین بار در برنامه سوم توسعه مطرح شد که در آن به طور مختصر به آزادسازی سواحل خزر اشاره شد، ولی به دلیل افزایش مشکلات زیست‌محیطی در سواحل خزر در برنامه چهارم توسعه مورد توجه جدی قرار گرفت. سازمان بنادر و دریانوردی، متولی انجام مطالعات کارشناسی و فراهم‌سازی زمینه اجرای آن شد.^۳ در خصوص پیوند سیاست جرم‌زدایی با طرح آزادسازی سواحل دریای خزر باید گفت در سال‌های اخیر، بسیاری از نهاد‌های دولتی با عناوین و اهداف متعدد، اقدام به تصرف غیر قانونی حریم سواحل دریای خزر کرده‌اند و مانع از حق دسترسی آزاد و آسان مردم برای استفاده از این سواحل شده‌اند. از طرفی، با وجود مطالبات جدی مردم برای مقابله با این اقدامات غیر قانونی، در عمل، اراده‌ای برای مقابله با جرایم این حوزه از سوی حاکمیت مشاهده نشده است.

با این حال، دولت سیزدهم به دنبال فضای مطالبه‌گری جدی مردم برای مقابله با جرایم سازمان‌های دولتی، یک مدل سیاست جنایی خاص تعریف کرد که از یک‌سو، تأمین‌کننده خواست مردم باشد و در سوی دیگر، بازدارندگی جرایم سازمان‌های دولتی را به همراه داشته باشد. به

۱. هادی تبار، اسماعیل و هادی زاده، رضا. درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی نژادی. مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۱، ۱۳۹۵، ص ۱۲۵.

۲. کولایی، الهه و مهدی شایسته، «حکمرانی خوب و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی دریای خزر»، محیط‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۳، ۱۳۹۳، ص ۶۸۲.

۳. شایسته، مهدی و مجید وحید، «سیاست‌گذاری زیست‌محیطی دریای خزر»، شانزدهمین همایش صنایع دریایی، ۱۳۹۳، ص ۱۲.

نظر می‌رسد ماهیت مدل پاسخ‌دهی به جرایم سازمان دولتی همان سیاست جرم‌زدایی است؛ زیرا دولت، پیش‌گیری و مقابله از جرم تصرف غیر قانونی حریم سواحل را از طریق سیاست جنایی خودانتظام^۱ به عنوان یکی از اشکال جرم‌زدایی دنبال کرد. مقصود از سیاست جنایی خودانتظام این است که دولت، رفتارهای مجرمانه صورت‌گرفته را تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌دهد، بلکه با اصلاح آگاهانه سیاست‌های اجرایی تلاش می‌کند رفتارهای غیر قانونی نهادهای تحت حاکمیت خود را بر مدار تمکین از قوانین به نفع عموم جامعه جهت دهد و به نوعی از این طریق، از اقدامات غیر قانونی صورت‌گرفته جرم‌زدایی کند.

هدف پژوهش حاضر این است که ضمن بررسی مبانی نظری پاسخ‌دهی غیر کیفری از طریق جرم‌زدایی به شناسایی جلوه‌های جرم‌زدایی دولت از طریق خودتنظیمی در عرصه پاسخ‌دهی به جرایم مرتبط با تصرف غیر قانونی سواحل دریای خزر بپردازد. این امر، بستری مناسب در راستای هر گونه تحلیل و سنجش میزان سنخیت سیاست‌های دولت سیزدهم برای آزادسازی سواحل دریای خزر با مبانی پیش‌گیری از جرم از طریق جرم‌زدایی فراهم می‌سازد. با این وجود، رسیدن به این هدف، نیازمند یافتن پاسخ برای این پرسش است که دولت به منظور مقابله با جرایم سازمان‌های تحت حاکمیت خود چه کرده است؟ علاوه بر این، اقدامات صورت‌گرفته تا چه میزان با مبانی دانش جرم‌زدایی از رهگذر خودتنظیمی هم‌سویی لازم را دارد؟ این نوشتار در گام نخست، گفتمان‌های حاصل از دانش پیش‌گیری از جرم را از رهگذر جرم‌زدایی بررسی می‌کند تا از طریق ارزیابی پاسخ‌های غیر کیفری دولت سیزدهم در رفع تصرف غیر قانونی حریم سواحل دریای خزر به پاسخ پرسش‌های یادشده برسد.

گفتار اول. مفهوم و مبانی سیاست جنایی خودانضباطی

بند اول. مفهوم جرم‌زدایی از طریق خودانضباطی

بی‌میلی سیاست‌گذار به پاسخ‌دهی کیفری به برخی از رفتارهای خاص که در قانون جرم‌انگاری شده است، نشان می‌دهد که در برخی موارد، تمایل به جرم‌زدایی وجود دارد. البته جرم‌زدایی را

1. The criminal policy of self-regulation

نباید به معنای مجازات‌زدایی تفسیر کرد؛ چون جرم‌زدایی گاهی به شکل حذف ممنوعیت‌ها بر اساس قوانین کیفری یا استفاده از مجازات اداری به جای مجازات کیفری و گاهی هم در منع تعقیب و مجازات کردن در عمل صورت می‌پذیرد.^۱

در واقع، این قرائت از جرم‌زدایی، منفعت جامعه را لزوماً در جرم‌انگاری و تعقیب رفتار خاص ارزیابی نمی‌کند.^۲ به عبارت دیگر، جرم‌زدایی به معنای محدود کردن نقش قوه قضاییه در تعقیب و مجازات نیست، بلکه شامل پذیرش تغییرات ساختاری و سازمانی در نهادهای دولتی برای ارائه پاسخ‌های غیرکیفری به رفتارهای مجرمانه نیز می‌شود. در این رویکرد، تأکید بر جایگزین‌های حقوقی و اجتماعی به جای تمرکز صرف بر مجازات کیفری است، که می‌تواند شامل سیاست‌های پیشگیرانه، اصلاحات اجتماعی و مکانیسم‌های حل و فصل غیرقضایی باشد. هدف اصلی جرم‌زدایی، کاهش بار سیستم قضایی و ارتقاء رویکردهای مبتنی بر بازپروری، بازپروری اجتماعی و بازگشت مجرم به جامعه است. برای نمونه، می‌توان به پذیرش تغییر و سازمان‌دهی درونی نهادهای دولتی اشاره کرد که از نظر ماهیت، نوعی خودانضباطی به شمار می‌رود. در حقیقت، در این تغییر رویکرد، خودانضباطی به عنوان یکی از اشکال جرم‌زدایی به معنای واکنش نشان ندادن در مقابل رفتارهای مجرمانه خاص نیست، بلکه به دلیل ناکارآمدی پاسخ‌های کیفری، پاسخ‌های غیر کیفری از نوع خودانضباطی، جای‌گزین پاسخ‌های کیفری می‌شود.^۳

در این فرآیند، سیاست‌گذار، پیش‌گیری و کنترل جرم خاص را از طریق بازپذیرسازی مرتکبان رفتارهای مجرمانه با بازگشت به قانون‌مداری امکان‌پذیر می‌داند و بر همین اساس، خودانضباطی به مفهوم بازگشت آگاهانه به وظایف و تکالیف پیش‌بینی شده در قوانین را جای‌گزین پاسخ‌های کیفری می‌کند. به همین دلیل، برخی بر این باورند که جرم‌زدایی، رویکردی منفرد و یکسان نیست،

1. Hughes, C. E. & Stevens, A., **What Can We Learn From The Portuguese Decriminalization of Illicit Drugs?** British Journal of Criminology, 50(6), 2010, 999–1022:www.doi.org/10.1093/bjc/azq038, p. 2.

۲. حسینی، علی اصغر، محمدعلی مهدوی ثابت، محمد آشوری و علی صفاری، «قرائتی عدالت‌مدار از سیاست جنایی ایران در توسل به واکنش کیفری از طریق جرم‌زدایی با تأکید بر اصول حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی»، فصل‌نامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۹، ص ۳۳۱.

۳. می‌ری دلماس - مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵، ص ۳۷۸.

بلکه اصطلاحی است که مدل‌های قانونی و نظارتی بی‌شماری را توصیف می‌کند.^۱ بر این اساس، جرم‌زدایی از جرایم و تخلفات نهادهای دولتی در طرح آزادسازی حریم سواحل خزر به مفهوم بازگشت آگاهانه به قانون‌مداری در سیاست‌گذاری و عمل به تکالیف قانونی در این عرصه تعبیر می‌شود. این طرح از یک سو، بی‌آمدهای منفی اجتماعی و احساس ناعدالتی عمومی را به شدت کاهش خواهد داد و از سوی دیگر، به دنبال پای‌بندی نهادها و سازمان‌های دولتی، کاهش جرایم دولتی را می‌توان انتظار داشت.

بند دوم. مبانی سیاست جنایی خودانضباطی

در ادامه، به مهم‌ترین مبانی نظری جرم‌زدایی به معنای خودانضباطی سازمان‌های دولتی اشاره می‌کنیم.

الف. کارآمد بودن پاسخ‌دهی غیر کیفری نسبت به جرایم سازمان‌های دولتی

پاسخ‌دهی به جرایم و تخلفات سازمان‌های دولتی لزوماً به معنای در پیش گرفتن رویکرد پاسخ‌دهی کیفری به رفتارهای خاص مجرمانه از سوی این نهادها نیست، بلکه رهیافت‌های نوین به رویکردهای جای‌گزین عدالت کیفری تمایل دارد،^۲ به ویژه آن‌که راهکارهایی نظیر جرم‌زدایی (از طریق خودتنظیمی سازمان‌ها دولتی با قوانین کشور) می‌تواند مشکلات فراروی دستگاه قضایی را با کم‌ترین تشریفات در مسیر نزولی قرار دهد.^۳

هر گاه تعداد زیادی از سازمان‌ها و نهادهای دولتی، رفتاری خاص و مغایر با قانون را انجام دهند، مقابله و پیش‌گیری از جرم به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، توفیق در فرآیند پاسخ‌دهی به جرایم و تخلفات سازمان‌های دولتی با هدف پیش‌گیری پایدار، نیازمند سیاست جنایی مناسب،

1. Alissa Greer, Matt Bonn, Caitlin Shane, Alex Stevens, Natasha Tousevard, Alison Ritter, **The details of decriminalization: Designing a non-criminal response to the possession of drugs for personal use.** International Journal of Drug Policy. 102.P2

۲. جمشیدی، علی‌رضا و همکاران، «از جرم‌زدایی یا تخلف‌انگاری (مطالعه تطبیقی)»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۷، شماره ۱۴۰۱، ۹۷، ص ۱۰۹.

۳. محمودی، جواد، «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ۱۳۸۵، شماره ۱۹، ص ۱۲۰.

هوشمند و منسجم خواهد بود تا از رهگذر تغییر نگرش در ارکان تصمیم‌گیری سازمان‌های حاکمیتی (قوه مجریه)، پیش‌گیری از تکرار جرم این نهادها امکان‌پذیر شود. سیاست جنایی مبتنی بر خودانضباطی می‌تواند تأثیری فزاینده بر پیش‌گیری از تکرار جرایم این سازمان‌ها بگذارد. از همین رو، این رویکرد با رهیافت‌های مکتب دفاع اجتماعی نوین که بر فراهم‌سازی شرایط بازگشت مجرم به جامعه از رهگذر احترام و تمکین از قانون تأکید دارد، بیش‌تر هم‌سوست.^۱

ب. کمیته‌گرایی کیفری و ضرورت توجه به سودمند بودن مجازات

کمیته‌گرایی به عنوان نخله‌ای از فایده‌گرایی، مجازات را به عنوان آخرین راهکار و در فرضی که راه حل‌های دیگر به بن‌بست رسیده باشد، تجویز و تعیین می‌کند.^۲ در حقیقت، رهیافت‌های پی‌آمدگرایی، توسل به مجازات را تنها در صورت دستیابی به فایده‌های از پیش تعریف‌شده مجاز می‌داند و بر پایه همین اندیشه، کیفر را آخرین چاره‌اندیشی نظام عدالت کیفری برای مقابله با جرم می‌پندارد. براین اساس، ضرورت دارد دولت در فرآیند مقابله و پیش‌گیری از جرایم سازمان‌های زیرمجموعه خود، توسل به مجازات را به عنوان آخرین حلقه برای بازگشت به قانون‌مداری نهاد‌های تابعه در نظر بگیرد. کمیته‌گرایی در قلمرو حقوق کیفری، توسل حاکمیت به لازم‌الاجرا کردن یک ارزش اجتماعی از رهگذر کیفر را زمانی توجیه‌پذیر می‌داند که دیگر ضمانت‌های اجرای مدنی، اداری و اجتماعی در تحقق اهداف مورد نظر، ناتوان و ناکارآمد باشند.^۳ بر این اساس، اگر دولت با سیاست‌گذاری مناسب برای پاسخ‌دهی غیر کیفری به جرایم نهاد‌های تحت حاکمیت خود بتواند از جرایم پیش‌گیری کند، باید این کار را انجام دهد تا وضعیت به قبل از ارتکاب جرم و اعتماد و احساس عدالت به جامعه بازگرداند. از منظر کمیته‌گرایی کیفری، تمامی توجیه‌های مداخله کیفری برای پاسخ‌دهی به جرایم نمی‌تواند فلسفه کیفر را مباح سازد. بنابراین، باید در نظر داشت که تحمیل کیفر بر سازمان‌ها و نهاد‌های

۱. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محسن نورپور، «تعقیب‌زدایی کیفری؛ بازتابی نوین از العاقرایی کیفری»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۹۴، ص ۸۱.

۲. رستمی، هادی، «ساختار نظریه مجازات و رابطه آن با نظریه سیاسی»، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، دایره‌المعارف علوم جنایی، تهران: میزان، ۱۳۹۸، ص ۳۶۸.

۳. رستمی، هادی و مهری بزرگر، «کمیته‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) و چالش‌های فراروی آن»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۱۴۰۱، سال سیزدهم، شماره ۱، ص ۷۸.

دولتی که بر اساس بودجه عمومی کشور اداره می‌شوند، نمی‌تواند با رویکردهای اخلاق‌گرایی توجیه‌پذیر باشد. پاسخ‌دهی به جرایم سازمان‌های تحت حاکمیت دولت، نیازمند رویکردهای نوین است؛ چون دامنه کیفر تنها محدود به مقامات رسمی دولتی نمی‌گردد و پی‌آمدهای ناشی از برچسب مجازات به این نهادها می‌تواند پی‌آمدهای اجتماعی منفی در سطح جامعه داشته باشد. وانگهی، ایده جرم‌زدایی از رفتارهای خلاف قانون نهادهای عمومی و دولتی لزوماً به معنای چشم‌پوشی کامل از جرایم ارتكابی نیست، بلکه نوعی سیاست‌گذاری هدفمند برای پاسخ‌دهی غیر کیفری به آن‌هاست که ضمن کاستن از پی‌آمدهای منفی ناشی از برچسب‌زنی کیفر، نوعی بازگشت به قانون‌مداری و نهادینه‌سازی مقوله احترام به قانون از سوی همه تابعان تلقی می‌گردد.

پ. جرایم زیست‌محیطی و مسئولیت دولت

بررسی قوانین داخلی کشورها و اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که در حال حاضر، محیط زیست به یکی از ارزش‌های برتر جوامع انسانی تبدیل شده است. در خصوص مسئولیت کیفری دولت در جرایم زیست‌محیطی، چالش‌های متعددی وجود دارد که باعث مصون ماندن دولت از تعقیب می‌شود، به ویژه آن‌که دولت، حساس‌گری ماهر است و با در نظر گرفتن هزینه‌ها و سودهای ناشی از ارتكاب جرم به این جرایم روی می‌آورد. قانون‌گذار ایرانی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت‌های اجرای مختلفی را در مورد جرایم اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. در تبصره این ماده، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیر دولتی را در مقام اعمال حاکمیت از شمول ضمانت‌های اجرای ماده ۲۰ مستثنا کرده است. هرچند پیش‌بینی مفاد این تبصره در مقام برطرف کردن دغدغه‌های قانون‌گذار در تداوم اعمال دولتی و حاکمیتی به نظر می‌رسد، اما چون دولت، مهم‌ترین مخرب و آلوده‌کننده محیط زیستی است و برای کسب سود و منافع اقتصادی، حق برخورداری از محیط زیست سالم را نقض می‌کند، ضروری است تا دولت را برجسته‌ترین شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری بدانیم.^۱

۱. حاجی‌وند، امید و همکاران، «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، علوم محیطی، دوره شانزدهم، شماره ۲، ۱۳۹۷، ص ۶۹.

در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، امور حاکمیتی، تعریف و مصادیقی از آن به صورت تمثیلی ذکر شده است. از موارد اعمال حاکمیتی در بند «ط» ماده ۸، «حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی» است. بنابراین، آلوده کردن و تخریب محیط زیست، نه از امور حاکمیتی است و نه از امور تصدی‌گری، بلکه دولت که قوه قهریه را در اختیار دارد، باید با مخربان مقابله کند، نه این‌که خود به مهم‌ترین آلاینده و مخرب زیست‌محیطی تبدیل شود.

امروزه بسیاری از اقدام‌ها و تصمیم‌های دولت‌ها با این‌که در قوانین وضع شده توسط خود آن‌ها جرم‌انگاری شده است، با چنین توجیه‌هایی مشمول مصونیت می‌شود. تخریب و آلودگی زیست‌محیطی، تملک و فروش منابع، سلب یا محدود ساختن حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص، دستگیری، بازداشت، شکنجه، سوء مدیریت گسترده درون شهری که موجب اضرار شهروندان می‌گردد و اعطای اختیارات گسترده به پلیس، ضابطان خاص، مأموران شهرداری و اداره‌های دولتی مختلف که موجب سلب حقوق شهروندی می‌گردد، در زمره این جرایمند.^۱

گفتار دوم. جلوه‌های سیاست جنایی خودانضباطی در طرح آزادسازی سواحل

هر گونه تحلیل برای سنجش میزان سنخیت سیاست‌های جنایی اجرایی دولت سیزدهم با مبانی سیاست جنایی خودانضباطی در طرح آزادسازی سواحل دریای خزر، نیازمند شناسایی و ارزیابی جلوه‌های سیاست‌گذاری‌های اعلامی و اجرایی در این عرصه است. در واقع، به هر میزان، سیاست‌های دولت به سمت خودانضباطی آگاهانه و هدفمند ریل‌گذاری شود، پیش‌گیری پایدار از جرایم سازمان‌های دولتی به شکلی برجسته پدیدار می‌گردد. با این حال، ارزیابی عملکرد دولت برای پاسخ‌دهی غیر کیفی به دستگاه‌های متخلف نشان می‌دهد چرخش اصلاح سیاست‌های دولت در رفع تصرف غیر قانونی از سواحل خزر در مسیر منافع عموم جامعه قرار دارد. البته به نظر می‌رسد دولت قصد دارد از طریق سیاست‌های خودانضباطی از رفتارهای مجرمانه سازمان‌های تحت حاکمیت خویش به نوعی جرم‌زدایی کند؛ چون تصرف حریم غیر قانونی سواحل جرم‌انگاری شده است، مانند ماده ۱۱ قانون اراضی و مستحدثات ساحلی، مصوب ۱۳۵۴: «هر کس به قصد تصرف به اراضی مستحدث و ساحلی متعلق به

۱. دکسردی، والتر، اس.، *جرم‌شناسی انتقادی معاصر*، ترجمه: مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش ناری، تهران: دادگستر، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱.

دولت و حریم دریا و دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور تجاوز و یا اراضی مزبور را با برداشت شن و ماسه و خاک و سنگ تخریب نماید، به حبس جنحه‌ای تا سه سال و خلع ید محکوم خواهد شد...».

علاوه بر این، در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ در کتاب تعزیرات پیش‌بینی شده است که هرگونه اقدام در جهت تخریب محیط زیست، اقدامی مجرمانه به شمار می‌رود. بر این اساس، هرگونه ساخت‌وساز در حریم ۶۰ متری سواحل خزر چون باعث برهم خوردن نظم طبیعی طبیعت در این مناطق شده است، می‌تواند مصداق بارزی از رفتار مجرمانه علیه محیط زیست تلقی گردد. پس مدیرانی که در قالب تصمیمات اداری، سواحل خزر را با عنوان‌های مختلف مانند مجتمع‌های رفاهی، آموزشی و نظیر آن به نفع سازمان‌های دولتی تصرف کرده‌اند، مشمول ضمانت اجرای کیفری مواد قانونی یادشده قرار می‌گیرند. با این وجود، با تأمل در سیاست‌های خودانضباطی جدید می‌توان استدلال کرد که بنیان‌های فکری دولت بر پاسخ‌دهی غیر کیفری به رفتارهای مجرمانه نهادهای دولتی و عمومی بنا نهاده شده است، اما پذیرش این استدلال، نیازمند بررسی جلوه‌های خودانضباطی در این عرصه است.

بند اول. نگاهی به اقدامات صورت‌گرفته در راستای حمایت از حریم ساحلی

بررسی اهداف محتوایی جریان قانون‌گذاری برای زمین‌های ساحلی در سال‌های پیش از انقلاب نشان‌دهنده تسلط گفتمان عدالت اجتماعی در سامان‌دهی سواحل است. هدف از تعیین زمین مستحدث و تدقیق مرز حریم ساحل در مضامینی چون ضرورت «استفاده مردمی»، تدارک راه «دسترسی عمومی»، «منع حصارکشی» و «استفاده اختصاصی» حتی از طریق سازمان‌های دولتی نمود یافته است. این جریان پس از انقلاب و در سال‌های جنگ، هم‌چون ابعاد دیگر سیستم برنامه‌ریزی شهرها و مناطق تا سال‌ها مسکوت باقی ماند. از سال ۱۳۷۰، بار دیگر تلاش برای تعریف حریم ساحل، این بار با مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری با تعریف ترازهای ۲۴ و ۲۲ متر ساحل به عنوان محدوده عمل فعالیت طبیعی ساحل صورت‌بندی شد. این مصوبه برخلاف رویکرد پیشین، تحت گفتمان «حفاظت اکوسیستم ساحلی» برای حفاظت از کاربری‌های ساحلی در مقابل خطر افزایش تراز آب دریا تصویب شد، به طوری که در این تراز، تنها ساخت‌وسازهای سبک و قابل انتقال، مجاز به استقرارند.^۱

۱. هدایتی فرد، مائده، «تحلیل فضا‌مندی قانون در مدیریت زمین‌های ساحلی: کنشگری آب و تعارض منافع (بررسی موردی):

در سال ۱۳۸۶، سازوکارهای تهیه و تصویب سند مدیریت یک پارچه ساحل و نیز روند کار اقدامات آزادسازی ساحل در دستور کار قرار گرفت. متعاقب آن، ستاد اجرایی آزادسازی حریم ساحلی به عنوان بازوی اجرایی آزادسازی حریم ساحلی دریای خزر، موظف به شناسایی گونه‌های مختلف تصرف حریم ۶۰ متر ساحل توسط نهادهای دولتی، نهادهای نظامی، تصرفات اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و تدوین چارچوب‌های نحوه توافق با مالکان است. پس از گذشت ۳۳ سال، آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲ قانون اراضی مستحدثات ساحلی در ۱۳۸۷ به تصویب رسید. در ماده ۶۳ قانون برنامه چهارم توسعه، بر ضرورت آزادسازی حریم ۶۰ متر در املاک وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی تأکید شده و تبصره ذیل این ماده نیز مهلت تحقق کامل این امر را تا پایان برنامه چهارم توسعه یعنی ۱۳۸۸ معرفی کرده بود، اما اقدامات آزادسازی در عمل با تأخیری بیش از ۱۰ سال آغاز گردید و تاکنون نیز به طور کامل عملیاتی نشده است. از مهم‌ترین موانع اجرایی این قانون، همکاری نکردن سازمان‌ها و نهادهای دولتی، حکومتی و نظامی با عنوان‌های مختلف مانند اهمیت حفظ تأسیسات گردشگری در ساحل، حاکمیتی بودن املاک، مستثنا بودن از ماده قانونی و امنیتی بودن قلمروست.^۱

در قانون برنامه سوم توسعه بر حفاظت و سامان‌دهی ساحل دریای خزر تأکید شده است. بر اساس بند «ه» ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه، دولت مکلف شد تا برای جلوگیری از آلودگی و سامان‌دهی ساحل دریای خزر به آزادسازی حریم دریای خزر اقدام کند. با این وجود، هیچ‌گونه آیین‌نامه یا سازوکاری در این مقرر مشخص نشده بود و در عمل، اقدام خاصی هم صورت نگرفت و تنها مباحثی در این خصوص در رسانه‌های گروهی و جلساتی در دستگاه‌های متولی برگزار شد که به نتایج عملی منتهی نشد. در ماده ۶۳ قانون برنامه چهارم توسعه نیز دولت موظف شده است حداکثر تا پایان برنامه چهارم برای سامان‌دهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل با اولویت دریای خزر، طرح سامان‌دهی سواحل را که متضمن اقدام‌های ضروری هم چون تعیین و آزادسازی حریم، استقرار مدیریت یک پارچه سواحل، ضوابط استانداردهای زیست‌محیطی و دریانوردی،

۱. ساحل جنوبی دریای کاسپین»، نامه معماری و شهرسازی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۰۱، ۳۵، ص ۳۴.

۱. هدایتی‌فرد، مائده و رضا خیرالدین، «توسعه چارچوب انگاشتی از فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری: کرانه جنوبی دریای کاسپین از شهرستان ساری تا محمودآباد»، آمایش سرزمین، دوره نهم، شماره ۲، ۱۳۹۶، ص ۱۴۶.

صیادی و آبروی پروری، بازبینی، اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات است، همراه با تعیین مسئولیت دستگاه‌های ذی‌ربط در زمینه سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت و تدوین کند. در تبصره همین ماده نیز دولت موظف شده است تمام وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی را به شکلی سامان‌دهی کند که تا پایان برنامه چهارم، عقب‌نشینی ۶۰ متر حریم دریا، صد در صد انجام پذیرد.^۱

بند دوم. خودانضباطی در پرتو الزام دستگاه‌ها به رعایت حریم ساحلی

واقعیت آن است که در سال‌های اخیر، بیش‌تر سازمان‌های دولتی و بخش‌های خصوصی با عنوان‌هایی از ساخت مجتمع‌های فرهنگی و آموزشی گرفته تا ایجاد مناطق نظامی و امنیتی به تصرف غیر قانونی حریم سواحل خزر دست زده‌اند. این امر، بازتاب سیاست‌گذاری‌های ناعادلانه و غیر قانونی برخی از دستگاه‌ها و تداوم هژمونی طبقه فرادست بر شیوه بهره‌برداری از این سواحل است. از جمله پی‌آمدهای چنین رویکردهایی در عرصه سیاست‌گذاری، شکل‌گیری احساس بی‌عدالتی نزد افکار عمومی، تضعیف جایگاه قانون نزد کارگزاران دولتی و محرومیت بیش‌تر جامعه از حق دسترسی آسان و قانونی به حریم سواحل و نظایر آن خواهد بود. از این رو، نوع واکنش و پاسخ‌دهی حاکمیت در قبال اقدامات غیر قانونی دستگاه‌های زیرمجموعه خود باید به‌گونه‌ای باشد که از پی‌آمدهای منفی این اقدامات بکاهد. در پیش‌گرفتن این رویکرد، مشروعیت حاکمیت را نیز در پی دارد؛ زیرا مشروعیت یک نظام را بر پایه عادلانه یا ناعادلانه بودن آن ارزیابی می‌کنند.^۲ در این راستا، بررسی سیاست‌های دولت در طرح آزادسازی سواحل خزر نشان می‌دهد که دولت، مقابله و پیش‌گیری از جرم را به عنوان بخشی از چاره‌اندیشی برای تحقق عدالت اجتماعی در نظر گرفته است.^۳ برای نمونه، می‌توان به اظهارات رئیس‌جمهور پیشین در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره آزادسازی سواحل اشاره کرد: «ساحل حریمی دارد و در جهت احداث بنا باید این حریم رعایت

۱. رضانی، بهمن و محمد طالقانی، «رویکرد به مدیریت یکپارچه محیطی در سازمان‌دهی سواحل کشور (فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها)»، اطلاعات جغرافیایی، دوره بیست و یکم، شماره ۸۴، ص ۹۳.

۲. محمودی عباس تبار، رحمت و شهربانو فولادی، «عدالت سیاسی در اندیشه شهید مطهری و راولز در یک نگاه تطبیقی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۳۹۶، شماره ۱۱۵، ص ۱۵۵.

۳. قماش، سعید و مرتضی عارفی، «موانع سیاسی و اقتصادی پیش‌گیری اجتماعی از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۶، شماره ۱۳، صص ۱۰۲.

[شود]. برای همین اگر دستگاه‌هایی مانع استفاده و آزادسازی سواحل برای مردم شوند، باید رعایت کنند»^۱.

ماهیت این سیاست‌ها بر خودانضباطی دستگاه‌های دولتی در چارچوب رعایت حریم ساحل دریا به نفع عموم جامعه تأکید دارد؛ زیرا ارتقای عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی مردم، زمینه‌ساز کاهش بسیاری از جرایم خواهد بود.^۲ در راستای اجرای سیاست‌های ابلاغی، مدیرکل دفتر فنی، امور عمرانی، حمل‌ونقل و ترافیک استانداری مازندران، میزان پیشرفت آزادسازی سواحل مازندران را ۴۲۴ کیلومتر اعلام کرد.^۳

باید دانست عقب‌نشینی حاکمیت از پاسخ‌دهی کیفری به جرایم سازمان‌های دولتی در تصرف غیر قانونی حریم ساحل خزر به معنای چشم‌پوشی از جرایم ارتكابی آن‌ها نیست، بلکه این جرم‌زدایی صرفاً یک تغییر رویکرد و واکنشی در قبال رفتار مرتکب جرم (سازمان‌های دولتی) به شمار می‌رود.^۴ در حقیقت، هدف اصلی دولت از جرم‌زدایی از طریق الزام دستگاه‌های دولتی به رعایت حریم سواحل، رفع محرومیت نسبی از حق دسترسی آحاد جامعه به سواحل خزر است. این نوع پاسخ‌دهی غیرکیفری که از طریق خودانضباطی در نهادهای دولتی به وجود آمده، همچنین به پیشگیری سازمانی و اجتماعی از جرم منجر می‌شود. چراکه محرومیت نسبی با نارضایتی همراه است و نارضایتی، در نبود راه‌حل سیاسی، به افزایش جرم می‌انجامد.

کاربست رهیافت‌های جرم‌زدایی از طریق خودانضباطی، در تحقق عدالت اجتماعی و پیش‌گیری از جرایم مرتبط با تصرف غیر قانونی حریم سواحل به شکل پایدار نقش مهمی خواهد داشت. مشروط بر این‌که کاربرد این سیاست‌ها از یک سو، مانع از گسترش جرایم این حوزه گردد و از سوی دیگر، بسترهای لازم برای تحقق حق دسترسی آسان و قانونی را به صورت عادلانه فراهم سازد. سازمان‌دهی و ضابطه‌مند کردن استقرار فعالیت‌ها در این مناطق به ویژه سواحل شمالی کشور که

1. www.farsnews.ir/news.

۲. عظیمی، فاطمه و محمد میرزایی، «جایگاه و نقش عدالت اجتماعی در نظام قضایی اسلام و سیاست جنایی جمهوری اسلامی»، رهیافت‌های انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰، شماره ۵۴، ص ۲۳۸.

3. www.tabnak.ir/fa/news.

۴. غفاری، محمد و نوبهار، رحیم، (۱۳۹۹). «چالش

کارکردهای گردشگری برای آن‌ها پیش‌بینی شده است، باید در اولویت برنامه‌های توسعه کشور قرار گیرد و سیاست‌ها و برنامه‌های مشخصی برای استفاده مطلوب و بهینه از این عرصه‌ها اجرا گردد. هر گونه تعلل و کوتاهی و از دست دادن فرصت‌ها در این زمینه می‌تواند پی‌آمدهایی زیان‌بار بر کشور تحمیل کند و موجودیت این مناطق و دستیابی به توسعه پایدار را در این مناطق بسیار پرهزینه و گاه ناممکن سازد.

بند سوم. خودانضباطی در پرتو تأکید بر قانون‌مداری

در هر جامعه، تبعیت نهادهای حاکمیتی به موازات دیگر تابعان از قانون، سنجه بسیار مهمی در عرصه پیش‌گیری از جرم به شمار می‌رود. با این حال، یکی از بارزترین نقدهایی که جرم‌شناسی انتقادی به دولت وارد می‌داند، این است که قدرت از قانون در راستای منافع خود بهره می‌برد. جان هاگان با اعتقاد به این‌که مناسبات قدرت در شکل‌گیری پدیده جرم اثرگذار است، چنین استدلال می‌کند که کسانی که قدرت را در اختیار دارند، آن را برای دست یافتن به اهدافی خاص به کار می‌برند.^۱

به عبارت دیگر، قانون در مناسبات قدرت، ابزاری برای دست‌یابی به منافع گروه‌های خاص به شمار می‌رود.^۲ بدون تردید، پی‌آمد چنین نگرشی در هر جامعه، بی‌پاسخ ماندن جرایم سازمان‌های تحت حاکمیت گروه‌های حاکم بر قدرت است. علاوه بر این، پای‌بند نبودن دولت به قانون به ترویج فرهنگ قانون‌گریزی در جامعه دامن خواهد زد، به گونه‌ای که قانون در تأمین منافع جامعه دیگر کارآیی نخواهد داشت. سیاست جنایی خودانضباطی به عنوان یکی از سیاست‌های پیش‌گیرانه از ارتکاب جرایم از رهگذر حاکمیت قانون به معنای تبعیت تمامی شهروندان به ویژه مدیران و زمامداران از قانون امکان‌پذیر خواهد بود.^۳ بر این اساس، خودانضباطی دستگاه‌های دولتی در احترام و تبعیت از قانون، ضمن پیش‌گیری از جرایم ارتكابی از سوی نهادهای دولتی می‌تواند افکار

1. Hagan, John, Gerd Hefler, Gabriele Cleven, Klaus Boehnke, Hand Boehnke, and Hanks Merckens, *Subterranean sources of subcul- tural delinquency beyond the American dream*. *Criminology*” 36, 1989, p. 341.

۲. دکسردی، پیشین، ص ۸.

۳. امامی، محمد و حمید شاکری، «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، ۱۳۹۴، شماره ۲، ص ۴۹.

عمومی جامعه را به سمت احترام به قانون‌مداری همراه سازد. در این صورت، جامعه، پیش‌فرضی را که بر اساس آن، قانون برای منافع همه آحاد جامعه در نظر گرفته می‌شود، به وضوح در عملکرد نهادهای وابسته به قدرت مشاهده می‌کند.

در مقام پیوند سیاست جنایی خودانضباطی از طریق احترام به حاکمیت قانون با مقوله پیش‌گیری از جرم باید تأکید کرد که تلاش نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی بر محور هم‌سو کردن جامعه با اطاعت‌پذیری از قانون است تا از رهگذر گسترش فرهنگ احترام به قانون، مانع از وقوع جرایم در سطح جامعه شوند. موفقیت در پیش‌گیری از جرم در بستر مشاهده قانون‌مداری از سوی نهادهای حاکمیتی امکان‌پذیر خواهد بود؛ زیرا برخی بر این باورند که جرم ناشی از تضاد میان منافع و مصالحه طبقه صاحب سرمایه و قدرت و اقلیت قدرتمند سیاسی و اقتصادی و منافع اکثریت اعضای جامعه است.^۱

بنابراین، جرم‌زدایی از طریق خودانضباطی در صورتی نزد افکار عمومی پذیرفته خواهد شد که احترام به حاکمیت قانون در گفتمان و عملکرد مدیران و نهادهای دولتی نیز عینیت داشته باشد. از این منظر، جرم‌زدایی از طریق خودانضباطی به دنبال این است که از یک سو، مانع سوء استفاده نهادهای حاکمیتی از قانون در راستای منافع قانون‌های قدرت شود و از سوی دیگر، حاکمیت قانون بر تمامی مناسبات اجتماعی را در راستای منافع جامعه برجسته سازد.

در همین راستا، اعتراض و انتقاد افکار عمومی به ویژه ساکنان محلی سواحل خزر در مقابل تصمیمات و سیاست‌های دستگاه‌های دولتی برای تصرف غیر قانونی حریم سواحل دریای خزر، این واقعیت را نمایان ساخت که برخی از دستگاه‌های دولتی، تمکین و پای‌بندی به قانون را در راستای رعایت حریم قانونی ساحل نادیده انگاشته‌اند. عملکرد این سازمان‌ها نشان می‌دهد که بی‌توجهی سیاست جنایی به جرایم این نهادها در طول سالیان گذشته در گسترش جرایم مرتبط با تصرف غیر قانونی حریم سواحل خزر نقش داشته است. از این رو، صرف نظر از اهداف و انگیزه‌های هر یک از نهادها در تصرف سواحل خزر می‌توان دیدگاه‌های مرتبط با جرم‌زدایی از طریق سیاست جنایی خودانضباطی را در عرصه تحلیل علل گسترش تصرف غیر قانونی حریم دریا

۱. رستمی، پیشین، ص ۱۳۱.

به پای‌بند نبودن کانون‌های قدرت در احترام به قانون خلاصه کرد. در مقام انطباق عملکرد دولت در عرصه پیش‌گیری از جرم از طریق سیاست خودانضباطی، بررسی اقدامات و سیاست‌های اعلامی و اجرایی نشان می‌دهد که دولت، سیاست‌های خود را بر مدار احترام به قانون‌مداری از سوی دستگاه‌های دولتی ریل‌گذاری کرده است.^۱

این سیاست‌گذاری به‌وضوح نمایانگر این واقعیت است که دولت، رفع ناهنجاری‌ها موجود در جامعه را از رهگذر احترام به حاکمیت قانون توسط تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی امکان‌پذیر می‌داند؛ چون بهره‌برداری از منابع موجود در اختیار دولت نظیر سواحل دریا در راستای تأمین نیازهای جامعه یک ضرورت است.^۲ این رویکرد در گفتمان اعلامی دولت سیزدهم به‌وضوح قابل مشاهده بود. با این حال، به‌منظور درک بهتر دیدگاه‌های رئیس‌جمهور پیشین در موضوع رفع تصرف غیر قانونی سواحل خزر از سوی نهادهای تحت حاکمیت دولت از رهگذر احترام و تمکین به قانون از سوی نهادهای دولتی به اختصار به برخی از دیدگاه‌های ایشان اشاره می‌کنیم: «این‌که دستگاه‌ها مانع استفاده مردم از ساحل شوند، پذیرفتنی نیست»، «ساحل یک حریم مشخص دارد و آزاد کردن سواحل مورد تأکید است»، «اگر جایی نقض قانون شده و حریم ساحل اشغال شده است، باید آزادسازی شود» و «دستگاه‌های اداری بیش از همه باید قانون را رعایت کنند تا مردم نیز رعایت کنند».^۳

تأمل در سیاست‌های اعلامی از منظر دانش پیش‌گیری از جرم نشان می‌دهد که گفتمان حاکم بر سیاست‌های اعلامی بر ترویج فرهنگ قانون‌مداری و حاکمیت قانون بر عملکرد دستگاه‌های اداری دلالت دارد. در واقع، دولت می‌کوشد با الزام دستگاه‌های اداری به تمکین از قانون برای رعایت حریم سواحل دریا نشان دهد که قانون، ابزاری برای تأمین منافع آحاد جامعه است، نه منافع نهادهای دولتی. از طرفی، با اصلاح تصمیم‌های اداری نهادهای زیرمجموعه در راستای تمکین به قانون، تغییر در عملکرد جامعه از رهگذر همگرایی مردم با قوانین را دنبال می‌کند که موفقیت در

۱. نک: www.mehrnews.com/news/5411172.

۲. بستانی، محمدحسین و اسدالله یآوری، «بایسته‌های دولت کارآمد؛ مطالعه موردی دولت لیبرال مدرن»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره پنجم، شماره ۱۴، ۱۴۰۲، ص ۴۳۴.

۳. نک: www.mehrnews.com/news/5437003.

این مسیر، پیش‌گیری از جرایم مختلف را به ارمغان می‌آورد. بدیهی است به هر میزان، اقدامات و تصمیمات دولتی در ملزم ساختن دستگاه‌های دولتی به احترام به قانون در عمل پرنرنگ‌تر باشد، به همان میزان، جامعه، عدالت بیش‌تری احساس خواهد کرد و در نتیجه توزیع عادلانه ثروت‌های ملی، گرایش کم‌تری به ارتکاب جرایم از خود نشان خواهد داد.

گفتار سوم. خودتنظیمی در سیاست غیر کیفری سازمان‌های دولتی

بند اول. خودتنظیمی در مقام قاعده‌گذاری

تنظیم‌گری به عنوان یک تأسیس حقوقی با وجود استفاده رایج از آن در ادبیات حقوق عمومی و اداری، ابهام‌های زیادی در محتوا و قلمرو دارد، تا حدی که در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های حقوقی معتبر و نسبتاً جامع و حتی جدید نیز به عنوان یک اصطلاح حقوقی مستقل به آن پرداخته نشده است. به سخن دیگر، مشکل بیش‌تر در جایی است که این مفهوم به عنوان الگو، سازوکار و ابزار حقوقی خاص در اداره امور به وسیله بخش عمومی به کار گرفته می‌شود.^۱ سازوکار خودتنظیمی و طبیعی ممکن است بتواند تداوم نوعی فعالیت منظم در جامعه انسانی را در پی داشته باشد، اما نخست این‌که الزاماً متعادل و موزون با حفظ هم‌بستگی و پیوستگی در اجزای جامعه نخواهد بود. دوم، بی‌توجهی به مؤلفه‌هایی مانند کرامت انسانی و به تبع آن، شناسایی و رعایت این شأن برای همه انسان‌ها در جامعه در درازمدت نمی‌تواند دوام بیاورد. این همان نقطه‌ای است که مداخله دولت به عنوان نهاد مشروع برای تنظیم یادشده مطرح می‌گردد.^۲

نظام خودکنترلی یا خودتنظیم‌کنندگی، ضمانت اجرای قضایی کیفری ندارد، بلکه ضمانت اجرای انضباطی دارد و فقط تعدادی قواعد رفتاری برای پیش‌گیری است. به همین دلیل، بر خلاف دیگر قواعد حقوقی که به علت ضمانت‌های اجرای حقوقی کیفری با نام «حقوق سخت» شناخته می‌شوند، این قواعد را «حقوق نرم» می‌توان نامید. به باور طرفداران دانش خودتنظیمی ضرورتی ندارد تا قانون‌گذار برای هر رفتار انسانی، یک قاعده حقوقی وضع و اعمال ایشان را صرفاً از طریق

۱. اسدی، حمید و همکاران، «مفهوم و جایگاه تنظیم‌گری با تأکید بر پاسخ‌گویی به جرایم بورسی»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره ۵۰، ۱۳۹۸، ص ۴۷۶.

۲. یوری، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳، ص ۶۴۷.

ابزار قانون‌گذاری پیش‌بینی و هدایت کند. قانون‌گذاری تنها یکی از ابزارهای تنظیم‌گری است و تنظیم‌گری مساوی با قانون‌گذاری نیست و این فرصت به شهروندان داده نشده است که بر اساس و مبنای روابط خودشان، قانون وضع کنند.^۱

ضمانت اجرای کیفری، حدّ‌اعلای ارباب و تهدید حقوقی است. تأثیر هیچ نهاد یا تأسیس دولتی دیگری بر زندگی شهروندان، عمیق‌تر از نظام عدالت کیفری نیست. بنابراین، در چرخه اقتصادی، هدف، کاستن از ضمانت‌های اجرای کیفری یا استفاده حداقلی از سازوکارهای حقوق کیفری است؛ زیرا هر چند حقوق کیفری، حمایت‌گر و ارزش‌گزار است، ولی استفاده از تدبیرها و اقدام‌های آن در این قبیل مناسبات اقتصادی هزینه‌بر است.

بند دوم. تخلف‌انگاری، جای‌گزین جرم‌انگاری

ضمانت اجرای اداری، واکنش نظام اداری در قالب قوانین و مقررات خاص اداری به تخلف یا تخلفات کارگزاران و مأموران دولتی است. اگرچه واکنش اجتماعی در برابر پدیده‌های گوناگون و به صورت‌های مختلف بروز می‌یابد، اما این واکنش در مقابل رفتار و اعمالی است که به جامعه صنفی و حرفه‌ای ضرر و آسیب می‌رساند و نظم سازمان یافته بر مبنای مقررات صنفی را دست‌خوش آشفتگی می‌کند.^۲ در حوزه حقوق اداری، قوانین مختلفی به منظور ایجاد و تقویت نظم و انضباط اداری به تصویب رسیده است که می‌توان به قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲، قانون ناظر بر رفتار قضات، مصوب ۱۳۹۲ و قانون مقررات انتظامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، مصوب ۱۳۶۴ اشاره کرد. تحت تأثیر اصول فراتقنینی حقوق اساسی و مبانی خاص کیفری حقوق بین‌الملل، بسیاری از قواعد هم‌چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت و اصل شخصی بودن مجازات به تدریج به ضمانت‌های اجرای اداری و انضباطی نیز تسری پیدا کرده‌اند.^۳

۱. شاطریان، محمود و جواد یحیی‌زاده، «هنر خودتنظیمی در حقوق عمومی با تأملی بر نظام تقنینی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال سوم، شماره ۶، ۱۴۰۰، ص ۱۴۳.

۲. درویشی، بابک و امیرعلی زینالی اقدم، «ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۳، ص ۱۲.

۳. حسینی، سید حسین و همکاران، «ضرورت رعایت اصول کلی حقوق کیفری در رسیدگی به تخلفات اداری»، دانش حقوق عمومی، سال دهم، شماره ۳۲، ۱۴۰۰، ص ۳.

تفاوت بین مقرر و قانون، موضوع جدیدی نیست و حداقل در انگلستان به قرن هجدهم برمی‌گردد. قاعدتاً با توجه به جنبه‌های متفاوت ارزش‌های اجتماعی می‌توان از آن‌ها به وسیله حقوق کیفری، حقوق اداری و حقوق مدنی حمایت کرد. امروزه حقوق کیفری به وسیله قانون موضوعه تدوین می‌شود و این قسمت از حقوق، آن‌چه را نظریه سنتی جرایم می‌دانیم، تشکیل می‌دهد. قانون موضوعه، مصوبه مقنن است که به عنوان قانون مدون تصویب و امضا شده است. مقررات به وسیله مراجع اداری وضع و اعمال می‌شود، اگر مقنن چنین اختیاری را تفویض کرده باشد.

حقوق کیفری اداری به عنوان رشته‌ای تقریباً نوظهور با منشأ آلمانی، ترکیبی از سیر تحول تدریجی، تاریخچه مقررگذاری و نظریه نفوذ جریمه‌های اداری در چارچوبی نظام‌مند است. به عبارت دیگر، برای مطالعه حقوق کیفری اداری با نوعی تکامل تدریجی روبه‌رویییم که مستلزم توجه به فرآیند مقررگذاری و تدقیق در نظریه سلطه جریمه‌های اداری بر جرایم اداری است.^۱

نتیجه‌گیری

موفقیت در مقوله پیش‌گیری و مقابله با جرایم سازمان‌ها و نهادهای حاکمیت، مستلزم پیوند یافته‌های دانش سیاست جنایی با دیدگاه‌های جرم‌شناسی در حوزه پیش‌گیری از جرم است. در واقع، پیدایش رویکردهای نوین در پاسخ‌دهی غیر کیفری به جرایم، تلاشی برای مقابله با ناکارآمدی پاسخ‌دهی کیفری به شمار می‌رود. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به مقوله جرم‌زدایی اشاره کرد. در حقیقت، جرم‌زدایی، نوعی پاسخ‌دهی غیر کیفری تلقی می‌گردد که در اشکال مختلف (جرم‌زدایی رسمی، جرم‌زدایی در عمل و جرم‌زدایی از طریق خودانضباطی) سعی دارد ناکارآمدی مجازات را جبران کند و از حجم تورم حقوق کیفری بکاهد. وانگهی، چون جرم‌زدایی از طریق خودانضباطی در سیاست‌گذاری و برنامه‌های اجرایی به صورت آگاهانه و با اختیار صورت می‌پذیرد، پی‌آمدهای مثبت متعددی در عرصه پیش‌گیری از جرایم مختلف دارد. برای نمونه، پیش‌گیری از طریق خودانضباطی، هزینه‌های مادی و معنوی تحمیل‌شده بر جامعه را کاهش خواهد داد.

بر پایه همین منطق، اقدام نهادهای دولتی در تصرف غیر قانونی حریم ساحل خزر، بر افکار عمومی نسبت به سیاست‌های نهادهای دولتی در تضمین حقوق ملت تأثیر مخرب گذاشته، به

۱. جمشیدی و همکاران، پیشین، ص ۱۱۰.

ویژه آن‌که تصرف غیر قانونی مساحت زیادی از سواحل دریای خزر، مانع دسترسی آسان و قانونی مردم به دریا شده است.

از طرفی، در نتیجه تعارض میان منافع دستگاه‌های دولتی و حق دسترسی مردم به سواحل دریا، شاهد تقویت دیدگاه‌های جرم‌شناسی انتقادی در مورد رویکرد ابزارگرایانه نهادهای عمومی و دولتی به قانون هستیم؛ رویکردی که در نوع خود، زمینه را برای قانون‌گریزی دستگاه‌های دولتی در تصرف غیر قانونی حریم ساحل فراهم ساخته است. با تداوم سیاست‌های منفعت‌طلبانه و انحصارطلبانه برخی از نهادهای دولتی در تصرف حریم ساحل دریا، مطالبات افکار عمومی برای دادخواهی از حاکمیت در مقابله با جرایم و تخلفات نهادهای حاکمیتی افزایش یافته است. با این حال، یافته‌های این پژوهش بر این واقعیت مبتنی است که سیاست‌گذاری دولت سیزدهم در عرصه مقابله با جرایم به ویژه جرایم مرتبط با تصرف غیر قانونی حریم سواحل مبتنی بر الغاگرایی حقوق کیفری بود و می‌کوشید با تمام ظرفیت قانونی و اجرایی، قانون را در راستای منافع ملی به اجرا بگذارد و از هر گونه رویکرد ابزارگرایانه به قانون در راستای منافع خویش خودداری کند.

جرم‌زدایی، بازتاب نگرشی است که مجازات را مناسب‌ترین واکنش در مقابل با جرم در نظر نمی‌گیرد. در این چارچوب، دولت با ریل‌گذاری در عرصه سیاست‌های عدالت‌محور به منظور فراهم ساختن حق دسترسی آحاد مردم به سواحل دریا موجبات پاسخ‌دهی غیر کیفری به جرایم سازمان‌ها و نهادهای عمومی و دولتی را فراهم آورد که به تصرف غیر قانونی حریم ساحل دریا دست زده بودند. در پرتو این رویکرد، دولت، جرم‌زدایی از رفتارهای مجرمانه نهادهای تحت حاکمیت خود را از طریق سیاست‌های خودانضباطی دنبال کرد؛ چون مجازات را برای پاسخ‌دهی به جرایم مرتبط با تصرف غیر قانونی سواحل خزر مناسب نمی‌دانست. دولت یادشده در چارچوب سیاست خودانضباطی، بازگشت به قانون‌مداری و الزام دستگاه‌های دولتی به رعایت حریم قانونی سواحل را در دستور کار قرار داد. به هر حال، سیاست‌های خودانضباطی دولت در حوزه پاسخ‌دهی غیر کیفری به جرایم نهادهای دولتی در خصوص طرح آزادسازی سواحل خزر، پی‌آمدهایی اجتماعی و اقتصادی دارد و از منظر دانش جرم‌شناسی، پیش‌گیری از جرم را به دنبال خواهد آورد. دولت با دنبال کردن سیاست‌های خودانضباطی می‌خواهد بر افکار عمومی در عرصه پیش‌گیری از جرم از طریق فرهنگ‌سازی احترام به قانون اثر بگذارد. در این راستا، رهیافت‌های دانش جرم‌زدایی،

این دیدگاه را منعکس می‌کنند که به هر میزان، قانون مداری و احترام به قانون از سوی نهادهای حاکمیتی در میدان عمل، نمود عینی بیش‌تری داشته باشد، به همان نسبت، تمایل جامعه به سمت ارتکاب جرم کم‌تر خواهد شد.

از منظر دانش جرم‌شناسی، بیش‌گیری از جرم از رهگذر بازگشت به قانون مداری و اصلاح ساختارهای حاکم بر نهادهای وابسته به قدرت زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که هرگونه نگاه ابزارگرایی به قانون در راستای دستیابی به منافع خاص العاگردد. به علاوه، دولت در تمکین و احترام به قانون باید پیشگام ملت باشد. تنها در این صورت می‌توان در پرتو چنین رویکردی، هم‌نوایی افکار عمومی را با قوانین رسمی انتظار داشت. هرگونه تسامح در برخورد کیفی با نهادهای خاطی و در مقابل، دنبال کردن سیاست تسامح صفر در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی در جرایم مرتبط با تصرف غیر قانونی سواحل خزر، به رویکرد دولت در نگاه ابزارگرایی قانون کیفری، جلوه پرننگ‌تری خواهد داد و این همان چالشی است که جرم‌شناسان انتقادی همواره بر آن تأکید دارند. همانا بی‌توجهی به انتظارات افکار عمومی در عرصه مقابله با جرایم سازمان‌های دولتی برگسترش فرهنگ قانون‌گریزی از سوی جامعه، تأثیری معنادار به جا می‌گذارد و مشروعیت دولت را در عرصه عدالت با چالش مواجه می‌سازد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. دکسردی، والتر، اس.، **جرم‌شناسی انتقادی معاصر**، ترجمه: مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش ناری، تهران: دادگستر، ۱۳۹۲.
۲. می‌ری دلماس - مارتی، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵.

ب) مقاله

۳. اسدی، حمید و همکاران، «**مفهوم و جایگاه تنظیم‌گری با تأکید بر پاسخ‌گویی به جرایم بورسی**»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره ۵۰، ۱۳۹۸.
۴. امامی، محمد و حمید شاکری، «**حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، ۱۳۹۴، شماره ۲.
۵. بستانی، محمدحسین و اسدالله یآوری، «**بایسته‌های دولت کارآمد؛ مطالعه موردی دولت لیبیرال مدرن**»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره پنجم، شماره ۱۴، ۱۴۰۲.
۶. جمشیدی، علی‌رضا و همکاران، «**از جرم‌زدایی یا تخلف‌انگاری (مطالعه تطبیقی)**»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۷، شماره ۹۷، ۱۴۰۱.
۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و محسن نورپور، «**تعقیب‌زدایی کیفری؛ بازتابی نوین از الغاگرایی کیفری**»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۸. حاجی‌وند، امید و همکاران، «**مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها**»، علوم محیطی، دوره شانزدهم، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۹. حسینی، سید حسین و همکاران، «**ضرورت رعایت اصول کلی حقوق کیفری در رسیدگی به تخلفات اداری**»، دانش حقوق عمومی، سال دهم، شماره ۳۲، ۱۴۰۰.
۱۰. حسینی، علی‌اصغر، محمدعلی مهدوی ثابت، محمدآشوری و علی صفاری، «**قرائتی عدالت‌مدار**

- از سیاست جنایی ایران در توسل به واکنش کیفری از طریق جرم‌زدایی با تأکید بر اصول حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی»، فصل‌نامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۹.
۱۱. درویشی، بابک و امیرعلی زینالی اقدم، «ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۳.
۱۲. دشتی، محمدتقی، زهران‌زندیه و محمد مهدی‌فر، «تعارض منافع در بخش عمومی: گونه‌ها و انواع مقابله‌های حقوقی (تحلیل فقهی - حقوقی)»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره پنجم، شماره ۱۶، ۱۴۰۲.
۱۳. رستمی، هادی و مهری برزگر، «کمینه‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) و چالش‌های فراروی آن»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۱۴۰۱، سال سیزدهم، شماره ۱.
۱۴. رستمی، هادی، «ساختار نظریه مجازات و رابطه آن با نظریه سیاسی»، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، دایره‌المعارف علوم جنایی، تهران: میزان، ۱۳۹۸.
۱۵. رضانی، بهمن و محمد طالقانی، «رویکرد به مدیریت یک پارچه محیطی در سازمان‌دهی سواحل کشور (فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها)»، اطلاعات جغرافیایی، دوره بیست و یکم، شماره ۸۴.
۱۶. شاطریان، محمود و جواد یحیی‌زاده، «هنر خودتنظیمی در حقوق عمومی با تأملی بر نظام تقنینی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال سوم، شماره ۶، ۱۴۰۰.
۱۷. شایسته، مهدی و مجید وحید، «سیاست‌گذاری زیست‌محیطی دریای خزر»، شانزدهمین همایش صنایع دریایی، ۱۳۹۳.
۱۸. عظیمی، فاطمه و محمد میرزایی، «جایگاه و نقش عدالت اجتماعی در نظام قضایی اسلام و سیاست جنایی جمهوری اسلامی»، رهیافت‌های انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰، شماره ۵۴.
۱۹. غفاری، محمد، و نوبهار، رحیم. (۱۳۹۹). چالش
۲۰. قماش، سعید و مرتضی عارفی، «موانع سیاسی و اقتصادی پیش‌گیری اجتماعی از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۶، شماره ۱۳.
۲۱. کولایی، الهه و مهدی شایسته، «حکمرانی خوب و مدیریت یک‌پارچه مناطق ساحلی دریای خزر»، محیط‌شناسی، دوره چهلیم، شماره ۳، ۱۳۹۳.

۲۲. محمودی عباس تبار، رحمت و شهربانو فولادی، «عدالت سیاسی در اندیشه شهید مطهری و راولز در یک نگاه تطبیقی»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۳۹۶، شماره ۱۱۵.
۲۳. محمودی، جواد، «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ۱۳۸۵، شماره ۱۹.
۲۴. هدایتی‌فرد، مائده و رضا خیرالدین، «توسعه چارچوب انگاشتی از فضاهای انحصاری در نواحی ساحلی پیراشهری: کرانه جنوبی دریای کاسپین از شهرستان ساری تا محمودآباد»، آمایش سرزمین، دوره نهم، شماره ۲، ۱۳۹۶.
۲۵. هدایتی‌فرد، مائده، «تحلیل فضا‌مندی قانون در مدیریت زمین‌های ساحلی: کنشگری آب و تعارض منافع (بررسی موردی: ساحل جنوبی دریای کاسپین)»، نامه معماری و شهرسازی، سال چهاردهم، شماره ۳۵، ۱۴۰۱.
۲۶. هادی تبار، اسماعیل و هادی‌زاده، رضا. «درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی نژادی». مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۹۵، شماره ۱۱.
۲۷. یاور، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳.

2. Latin Source

1. Alissa Greer, Matt Bonn, Caitlin Shane, Alex Stevens, Natasha Tousevard, Alison Ritter
The details of decriminalization: Designing a non-criminal response to the possession of drugs for personal use. International Journal of Drug Policy. 102.2022. <https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2022.103605>
2. Greer, Alissa, Matt Bonn, Caitlin Shane, Alex Stevens, Natasha Tousevard, Alison Ritter,
The details of decriminalization: Designing a non-criminal response to the possession of drugs for personal use, International Journal of Drug Policy, Volume 102, April 2022, 103605: www.doi.org/10.1016/j.drugpo.2022.103605.

3. Hagan, John, Gerd Hefler, Gabriele Cleven, Klaus Boehnke, Hand Boehnke, and Hanks Merckens, **Subterranean sources of subcul- tural delinquency beyond the American dream. Criminology**” 36, 1989:309-341.
4. Hughes, C. E. & Stevens, A., **What Can We Learn From The Portuguese Decriminalization of Illicit Drugs? British Journal of Criminology**, 50(6), 2010, 999-1022:www.doio-rg/10.1093/bjc/azq038.

Self-discipline and self-regulation, the solution of decriminalization of crimes of government organizations

"Case Study: Caspian Coast Liberation Plan"

Saeid Gohari¹

Seyed Hossein Sadeghi²

Abstract

Government organizations play a vital role in the development and progress of societies. Nevertheless, the commission of any crime and violation by these organizations can have serious consequences for the society. Therefore, taking measures to increase self-discipline and self-regulation in government organizations will lead to a significant improvement in the performance of government organizations and prevention of crimes committed by them. The results of this research, which was conducted with the case study research method, show that the government has accepted the commission of crimes related to non-compliance with the legal protection of the sea coast by the government institutions by introducing the plan to liberate the sea coast. Nevertheless, it has not considered punishment as a suitable response to deal with criminal behavior, but has put self-discipline policies as one of the forms of decriminalization of committed crimes in its agenda, in order to improve the performance of government organizations to respect the coast, while Setting a pattern for law enforcement by governing institutions and crime prevention in order to achieve social justice.

Keywords: Disciplinary, decriminalization, crime prevention, Caspian coasts, crimes of government organizations

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University, Zabol, Iran (corresponding author) sgohari@uoz.ac.ir.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University, Zabol, Iran. hsadeghi@uoz.ac.ir